

# ۱- مبانی فلسفی و علمی

۱/۱- مبانی هستی‌شناختی

۱/۲- مبانی انسان‌شناختی

۱/۳- مبانی معرفت‌شناختی

۱/۴- مبانی ارزش‌شناختی

۱/۵- مبانی دین‌شناختی

۱/۶- مبانی روان‌شناختی

۱/۷- مبانی جامعه‌شناختی

۱/۸- رویکرد برنامه‌درسی ملی

۱/۹- اصول حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی

مبانی فلسفی و اصول حاکم بر برنامه درسی ملی، برگرفته از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران؛ فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران؛ سند ملی آموزش و پرورش و مطالعات کمیته تخصصی کلیات است و بر دلالت‌های مهم زیر که باید نگرش حاکم بر عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی ملی را شکل دهد، تأکید می‌ورزد.

#### ۱/۱- مبانی هستی‌شناختی

مقصود از مبانی هستی‌شناختی، مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی - تبیینی درباره حقیقت وجود و احکام کلی آن و نیز واقعیات جهان است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی، به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته‌اند.

۱/۱/۱ - هستی‌واقعیت دارد؛

۱/۱/۲ - خداوند مبدأ و غایت هستی است؛

۱/۱/۳ - خداوند خالق جهان و مالک، مدبر و ربّ حقیقی همه موجودات عالم است؛

۱/۱/۴ - نظام آفرینش از حیات، شعور، قانون‌مندی، هدف‌مندی و هماهنگی برخوردار است؛

۱/۱/۵ - نظام آفرینش دارای مراتب شهود و غیب است و هر یک از این مراتب خود نیز دارای مراتبی است؛

۱/۱/۶ - در جهان هستی در عین وحدت، کثرت وجود دارد (وحدت در کثرت و کثرت در وحدت)؛

۱/۱/۷ - خداوند خیر بنیادین و بنیاد خیر است و همه موجودات عالم را به سوی کمال شایسته آن‌ها هدایت می‌کند؛

۱/۱/۸ - نظام آفرینش وجودی مستقل نداشته، بلکه هویتی تعلق به رب‌العالمین دارد؛

۱/۱/۹ - نظام آفرینش، سیورورتی پیوسته و به سوی خدا دارد؛

۱/۱/۱۰ - نظام آفرینش، «فعل» و «آیت» خداوند است؛

۱/۱/۱۱ - جهان طبیعت در حال شدن و دگرگونی و حرکت مداوم است؛

۱/۱/۱۲ - جهان طبیعت و همه واقعیات‌های آن محدود، پایان‌پذیر و فناشدنی‌اند؛

۱/۱/۱۳ - نظام آفرینش عرصه تربیت انسان است و مربی آن پروردگار متعال است؛

۱/۱/۱۴ - نظام آفرینش به طبیعت خلاصه نمی‌شود؛

## ۱/۲ - مبانی انسان‌شناختی

مراد از مبانی انسان‌شناختی، آن دسته از گزاره‌های توصیفی - تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث مربوط به تربیت انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده‌اند و باید آن‌ها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست.

۱/۲/۱ - انسان موجودی است مرکب از جسم و روح که به یکدیگر تنیده شده و در تعامل با یکدیگر می‌باشند؛

۱/۲/۲ - حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می‌شود؛

۱/۲/۳ - انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است؛

۱/۲/۴ - انسان در نظام آفرینش از کرامت الهی و یکسان برخوردار است؛

۱/۲/۵ - انسان موجودی صاحب اختیار در تعیین سرنوشت خویش است که می‌تواند مستقل از عواملی چون محیط و وراثت، هویت خویش را رقم بزند. انسان مجبور در اختیار و مختار در عمل است و بر اساس انتخاب خویش می‌تواند هویت خویش را تعریف کند؛

۱/۲/۶ - آفرینش انسان، هدف‌مند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است؛

۱/۲/۷ - وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است؛

۱/۲/۸ - انسان موجودی است که استعدادهای متنوع و قابل رشد و تعالی مداوم دارد؛

۱/۲/۹ - انسان بر حسب فطرت و آفرینش خویش، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است؛

۱/۲/۱۰ - انسان موجودی اجتماعی، تأثیرپذیر از جامعه و تأثیرگذار بر آن است؛

۱/۲/۱۱- هویت انسان، برابری نوع ارتباط او با خویش، خدا، خلق و خلقت است؛

۱/۲/۱۲- انسان در تکوین و تحول هویت خود، نقش اساسی دارد؛

۱/۲/۱۳- هویت آدمی دو وجه فردی و جمعی دارد که در انواع و جنبه‌های مختلف تحقق می‌یابد؛

۱/۲/۱۴- تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم و معرفت، اخلاق و عمل مداوم، عناصر اصلی شکل‌دهی و ارتقاء هویت انسان می‌باشند؛

۱/۲/۱۵- انسان همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کند و با انتخاب احسن خویش موقعیت موجود را به سوی موقعیت مطلوب تغییر دهد؛

۱/۲/۱۶- انسان برای توفیق در روند تحول و ارتقاء هویت خویش نیازمند هدایت الهی است؛

۱/۲/۱۷- انسان موجودی مکلف است و نسبت به تکالیف خود، اصالتاً در برابر خداوند و به تبع آن در برابر دیگران مسئولیت دارد؛

۱/۲/۱۸- انسان در عین برخورداری از استعدادهای فراوان، دارای انواع محدودیت هاست؛

۱/۲/۱۹- سنت‌های الهی بر زندگی انسان حاکم است؛

۱/۲/۲۰- انسان حیاتی بی‌پایان دارد و سرنوشت هر کس در زندگی جاودان، به انتخاب و هویت (شاکله) او در دنیا بستگی دارد؛

۱/۲/۲۱- همه انسان‌ها از حقوق ذاتی برابر برخوردارند؛

۱/۲/۲۲- انسان‌ها ضمن این‌که طبیعت و فطرت مشترک دارند، دارای خصوصیات متفاوت جنسیتی، فردی، قومی و فرهنگی می‌باشند؛

۱/۲/۲۳- آدمی موجودی است در معرض انواع مخاطرات و موانع و تهدیدهای بیرونی و درونی از قبیل نفس اماره و دنیا؛

۱/۲/۲۴- وجود انسان فقر محض است و هویتی تعلقی به رب‌العالمین دارد؛

۱/۲/۲۵- انسان از استعداد و توان نامحدودی برای رسیدن به مراتبی از عبودیت و حیات طیبه برخوردار است؛

۱/۲/۲۶- انسان در نظام آفرینش برای طی هر مرتبه از کمال، نیازمند به مربی است؛

۱/۲/۲۷- انسان موجودی است یادگیرنده، تربیت‌پذیر و برخوردار از ظرفیت نامتناهی رشد یابندگی؛

۱/۲/۲۸ - انسان دارای ویژگی‌هایی چون حرص، بخل، عجله و... در نفس خود می‌باشد که این ویژگی‌ها می‌تواند با تربیت توحیدی زمینه‌ساز رشد و تعالی او شود؛

۱/۲/۲۹ - انسان به صورت مستمر و دائمی در معرض آزمایش و ابتلا و مواجهه با دشواری‌ها و راحتی‌هاست و این خود زمینه‌ساز رشد و تعالی یا سقوط و انحطاط اوست؛

۱/۲/۳۰ - خداوند، انسان را «پاک» آفریده است و کفر، شرک، نفاق و دیگر ردائیل بر اثر نوع برخورد انسان با محیط، انتخاب نادرست و ارتباط غلط او با خود، خدا، خلق و خلقت بر وی عارض می‌شود؛

۱/۲/۳۱ - انسان دارای نیازهای گسترده و متنوعی دارد که باید در تربیت او به گونه‌ای منسجم و متعادل مورد توجه قرار گیرد؛

۱/۲/۳۲ - شخصیت آدمی (شاکله) حاصل تربیت اوست. اگر شخصیت آدمی با فطرت او هماهنگ و منطبق باشد، انسان متعادل است و اگر با فطرت او انطباق نداشته باشد، دارای شخصیتی نامتعادل است. هم‌چنین اگر با فطرت آدمی در تضاد و تقابل باشد، انسان

از هویت آدمی خارج می‌شود و با حیوانات و پست‌تر از آنها هم‌تراز می‌گردد؛  
۱/۲/۳۳ - موانع اصلی حرکت متعالی انسان عبارت‌اند از: نفس اماره، دنیاطلبی و شیطان.

### ۱/۳ - مبانی معرفت‌شناختی

منظور از مبانی معرفت‌شناختی مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است که بنا بر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت بسیار عرصه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان‌شناختی متمایز گشته است.

۱/۳/۱ - انسان در شناخت هستی و درک موقعیت خود در آن توانایی دارد؛

۱/۳/۲ - علم دارای اقسام حقیقی و اقسام اعتباری است؛

۱/۳/۳ - منابع شناخت آدمی متعدد است که شامل وحی (قرآن و عترت)، عقل، قلب، طبیعت، جامعه و تاریخ است؛

۱/۳/۴ - انسان هم در مقام نظر و هم عمل، توانایی تعقل (عقل‌ورزی) دارد؛

۱/۳/۵ - تعقل در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش محوری دارد؛

۱/۳/۶ - علم در عین کشف واقع (از منظر معلوم)، محصول ابداع (از منظر عالم) است؛

۱/۳/۷ - معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است؛

۱/۳/۸ - علم در عین ثبات (از منظر معلوم)، ویژگی پویایی دارد.

۱/۳/۹ - شناخت آدمی با موانعی از قبیل پیروی از هوای نفس، التزام به عادات و سنت‌های غلط نیاکان، خودباختگی در برابر بزرگان و قدرت‌ها و نیز محدودیت‌هایی چون میزان ظرفیت و توان فرد و ناتوانی عقل نسبت به درک بخشی از حقایق هستی همراه است؛

۱/۳/۱۰ - علم انسان مراتب و سطوح مختلف دارد؛

۱/۳/۱۱ - ابزار شناخت و معرفت عبارت‌اند از: حواس، خیال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه (قلب). شایان ذکر است که در این میان، تفکر و تعقل نقش اساسی در شناخت حقیقت هستی و سعادت جاوید دارد؛

۱/۳/۱۲ - علم به مثابه کشف فعل خدا، دینی است؛

۱/۳/۱۳ - تحصیل معرفت محدودیت زمانی ندارد.

#### ۱/۴- مبانی ارزش شناختی

مقصود از مبانی ارزش شناختی گزاره‌هایی درباره منابع، ویژگی‌ها و مصادیق ارزش‌ها در ارتباط با عرصه‌ها چهارگانه خدا، خود، خلق و خلقت است.

منابع و ویژگی ارزش‌ها

۱/۴/۱ - دین (عقل و فطرت، قرآن و سنت) منبع همه

ارزش‌هاست و سایر ارزش‌ها از آن کسب اعتبار می‌کند؛

۱/۴/۲ - ارزش‌های حقیقی (معتبر) مفاهیم و گزاره‌هایی‌اند که با

تکیه بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن،

ارزش‌گذاری شده‌اند؛

۱/۴/۳ - حرکت آزاد آدمی و انتخاب او همواره در پرتو

ارزش‌گذاری محقق می‌شود و ارزش‌ها انواع و مراتب

مختلف دارند؛

۱/۴/۴ - ارزش‌ها دو دسته‌اند: ثابت (مطلق) و غیر ثابت (مشروط

و متغیر)؛

۱/۴/۵ - ارزش زیباشناختی هم ناظر به واقعیت‌های عینی است و هم وابسته به ادراک فرد؛

۱/۴/۶ - تأثیر کامل التزام به ارزش‌ها، تابع هم حسن فعلی و هم حسن فاعلی است؛

۱/۴/۷ - سلسله مراتب ارزش‌ها با غایت زندگی ارتباط دارند؛

۱/۴/۸ - دستیابی به حیات طیبه تنها بر اساس انتخاب و التزام آزادانه و آگاهانه به نظام معیار که ارزش‌های مقبول دین حق است، امکان‌پذیر می‌باشد؛

۱/۴/۹ - تحقق حیات طیبه، همه ابعاد فردی و جمعی زندگی انسان از جمله رعایت توازن و اعتدال را در همه ابعاد شامل می‌شود؛

اهم مصادیق ارزش‌ها

**الف. ارزش‌های مرتبط با خدا:**

۱/۴/۱۰ - توحید، قرب الی الله، عبودیت و حیات طیبه در رأس همه ارزش‌هاست و مصداق حقیقی غایت زندگی انسان است؛

۱/۴/۱۱ - محورهای اساسی ارزش‌ها در پنج عنصر تفکر، تعقل و حکمت / ایمان و باور به مبدأ و معاد / علم، معرفت و

بصیرت / کار مفید، مجاهدت و عمل صالح / اخلاق کریمه و فضائل نفسانی خلاصه می‌شود و در این بین، عناصر تفکر و تعقل و ایمان به مبدأ و معاد، نقش بنیادی دارند؛

۱/۴/۱۲ - انس و التزام عملی به قرآن کریم، دوستی عترت و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خاصه حضرت مهدی (عج) و اطاعت از آن بزرگواران از مهم‌ترین ارزش‌ها و راه‌های نیل به حیات طیبه است؛

۱/۴/۱۳ - توّلّی و تبرّی، امر به معروف و نهی از منکر از جمله راه‌های مهم در جهت نیل به حیات طیبه است؛

۱/۴/۱۴ - توجه به ارزش‌های الهی در ارتباط با خدا تعیین‌کننده هویت ارزشی انسان است؛

۱/۴/۱۵ - عبادت آگاهانه و پرستش عاشقانه خداوند متعال، نقش اساسی در رشد و تعالی انسان دارد.

ب. ارزش‌های مرتبط با خود (جسمی و روحی):

۱/۴/۱۶- عمل مبتنی بر ایمان و تفکر؛

۱/۴/۱۷- کسب روزی حلال؛

۱/۴/۱۸- حفظ و ارتقاء سلامت و بهداشت فردی؛

۱/۴/۱۹- برخورداری از حیا و عفت، آراستگی ظاهری و پوشیدن لباس مناسب؛

۱/۴/۲۰- فعالیت و تلاش و پرهیز از بطالت و بیکاری؛

۱/۴/۲۱- پرهیز از اسراف و زیاده خواهی؛

۱/۴/۲۲- حفظ عزت نفس و کرامت انسانی؛

۱/۴/۲۳- خود یادگیری و خودسازی مستمر و مادام‌العمر؛

۱/۴/۲۴- رعایت توازن بین درآمد و هزینه (قناعت) و صبر در امور؛

۱/۴/۲۵- سعی و اهتمام در کسب، حفظ و تکمیل ارزش‌های اخلاقی؛

۱/۴/۲۶- پایبندی به احکام شرعی به ویژه انجام واجبات و ترک محرمات.

ج. ارزش‌های مرتبط با خلق (خانواده، جامعه و کشور، امت اسلامی و جامعه جهانی):

ج.۱) ارزش‌های مربوط به خانواده:

۱/۴/۲۷- احترام، احسان و مهرورزی به والدین و اعضای خانواده؛

۱/۴/۲۸- احترام و خدمت به بزرگسالان، محبت به خردسالان و توجه به نیاز و تربیت کودکان و رعایت حقوق آنان؛

۱/۴/۲۹- مشورت و بهره‌گیری از تجارب بزرگ‌تران و سالخوردگان؛

۱/۴/۳۰- توجه به حقوق همسر و فرزندان.

ج.۲) ارزش‌های مربوط به جامعه و کشور:

۱/۴/۳۱- ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی و منافع ملی بر منافع حزبی و گروهی؛

۱/۴/۳۲- احترام به قانون و قانون‌مداری بر مبنای قانون اساسی؛

۱/۴/۳۳- توجه به آزادی مسئولانه و عدالت اجتماعی؛

۱/۴/۳۴- همکاری، تعاون و مشارکت اجتماعی و احترام به آحاد جامعه؛

۱/۴/۳۵- رأفت، احسان و خدمات عام‌المنفعه و ماندگار؛  
۱/۴/۳۶- پاسداشت از خدمات شخصیت‌های مؤثر در عرصه‌های  
مهم فرهنگی، علمی، ادبی، سیاسی، هنری و اجتماعی در  
تاریخ و تمدن ایران و اسلام؛  
۱/۴/۳۷- باور و التزام عملی به ولایت فقیه به عنوان ادامه‌دهنده  
راه انبیا؛  
۱/۴/۳۸- احترام به مظاهر ملی (پرچم، سرود ملی، زبان فارسی،  
جشن‌های ملی)؛  
۱/۴/۳۹- تعظیم شعائر اسلامی؛  
۱/۴/۴۰- التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران و تلاش در  
تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی؛  
۱/۴/۴۱- وطن‌دوستی، ایثارگری، فداکاری و شهادت‌طلبی در  
جهت حفظ ارزش‌های الهی و کیان جمهوری اسلامی  
ایران؛  
۱/۴/۴۲- ارتقاء جایگاه علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و  
معنوی ایران در عرصه بین‌الملل.

ج.۳) ارزش‌های مربوط به امت اسلامی:  
۱/۴/۴۳- وحدت و همبستگی بین مسلمانان؛  
۱/۴/۴۴- دفاع از مسلمانان تحت ستم و کمک و یاری آنان  
در حدّ توان؛  
۱/۴/۴۵- اهتمام و سعی و کوشش در جهت حلّ معضلات و  
مشکلات مسلمانان؛  
۱/۴/۴۶- مشارکت فعال در همکاری با مسلمانان جهان در  
امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛  
۱/۴/۴۷- ارتقاء جایگاه امت اسلامی در عرصه‌های علمی،  
فناوری و ... در جهان.  
ج.۴) ارزش‌های مربوط به جامعه جهانی:  
۱/۴/۴۸- احترام به حقوق انسان‌ها در راستای تعمیم سعادت و  
ایجاد امید و آینده‌ای روشن برای همه انسان‌ها؛  
۱/۴/۴۹- مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیزم بین‌الملل در  
جهت ایجاد صلح و عدالت در جهان؛  
۱/۴/۵۰- احترام به پیمان‌های معتبر جهانی؛

۱/۴/۵۱- حضور فعال در عرصه‌های جهانی بر اساس حفظ عزت ملی و عدالت؛

۱/۴/۵۲- احترام به ادیان الهی و تقویت روابط انسانی با پیروان آن‌ها؛

۱/۴/۵۳- گسترش مبانی ارزش‌های اسلامی به ویژه عدالت و فضایل اخلاقی و معنوی در جهان؛

۱/۴/۵۴- ترویج انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) در جهت ایجاد حکومت عدل جهانی؛

۱/۴/۵۵- گسترش فرهنگ گفت‌وگو و استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز در حل مسائل بین‌المللی مبتنی بر ارزش‌های توحیدی؛

۱/۴/۵۶- تلاش در جهت حل مشکلات جهانی از قبیل روابط ظالمانه، فقر، بیماری و تبعیض؛

(د) ارزش‌های مربوط به خلقت:

• (۱.د) طبیعت

۱/۴/۵۷- ارتباط اخلاقی و معنوی با طبیعت و محیط زیست؛

۱/۴/۵۸- احساس مسئولیت در برابر پدیده‌های خلقت و همکاری در حفاظت از زمین، گیاهان و جانوران

(اعم از خشکی و دریا) و حفظ تعادل در آب و هوا؛

۱/۴/۵۹- کمک به حفاظت و توسعه زیست بوم شهری،

روستایی و محیط طبیعی در جهت بقا و ارتقاء کیفیت

محیط و توسعه پایدار (حفظ رودها، دریاچه‌ها،

جنگل‌ها، تالاب‌ها، زیستگاه‌های حیات وحش،

غارها، چشم‌اندازهای طبیعی و اکوسیستم‌های

دریایی)؛

۱/۴/۶۰- نگاه به طبیعت به عنوان مخلوقات و امانت الهی و

کتاب معرفت؛

۱/۴/۶۱- کشف قابلیت‌های طبیعت و بهره‌برداری عاقلانه و

مسئولانه از منابع و مواهب طبیعی؛

۱/۴/۶۲- اعتقاد به برخورداری همه مظاهر خلقت از مراتبی از

حیات و شعور.

• ۲.۵) ماوراء طبیعت

۱/۴/۶۳- علاقه به مراتب فوق طبیعت در هستی و برقراری ارتباط سازنده با آن؛

۱/۴/۶۴- توجه به عالم غیب، خاصه ملائکه و تأثیرگذاری ایشان در زندگی انسان؛

۱/۴/۶۵- توجه به استمرار و جاودانگی حیات انسان بعد از مرگ و تأثیر سازنده آن در زندگی انسان.

۱/۵- مبانی دین‌شناختی\*

این دسته از مبانی به مباحثی درباره شأن و جایگاه دین اسلام و مقاصد تربیتی آن در ارتباط با برنامه درسی اشاره دارد. بیان این گزاره‌ها از آن

جهت ضروری است که آموزه‌های اسلام ناب محمدی ﷺ - به عنوان دین حق- در همه اجزا و عناصر برنامه درسی از جمله مقاصد غایی تربیت انسان، طرز تلقی نسبت به متربی، محتوای برنامه درسی، روش‌های یاددهی - یادگیری، جایگاه معلم و مربی، مواد آموزشی و شیوه ارزش‌یابی کاربردی دارد؛

۱/۵/۱- اسلام مجموعه‌ای است به هم پیوسته و منسجم از عقاید، معارف، نظام‌ها، احکام فردی و اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی که انسان را در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت، حول محور ارتباط با خدا راهبری کرده و او را به سعادت جاویدان می‌رساند؛

۱/۵/۲- اسلام، راه و روش زندگی بر مبنای دستورهای الهی است که مبتنی بر عقل، قرآن، سنت و عترت پیامبر ﷺ است و در جهت درک مراتبی از عبودیت الهی در راستای حیات طیبه به بشریت ارائه شده است؛

---

\* مبانی فلسفی و علمی تعلیم و تربیت اسلامی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند. گروه اول مبانی فلسفی هستند که از منابع دینی الهام گرفته و شامل بخش‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی است، و گروه دوم مبانی علمی هستند که از دانش‌ها و یافته‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی سرچشمه می‌گیرد. مبانی فلسفی به مانند ملاک و معیاری برای قضاوت و گزینش نظریه‌های علمی در تعلیم و تربیت عمل می‌نماید. بیان جداگانه مبانی دین‌شناختی که بر اساس منابع معتبر تدوین شده است، صرفاً به مباحثی درباره دین (نظیر چیستی و چرایی و جایگاه دین در زندگی و نسبتی که انسان با آن دارد، نحوه فهم دین، قلمرو دین و ارتباط آن با سایر معارف و ...) می‌پردازد.

۱/۵/۳- اسلام دینی است جهانی، اجتماعی و همه‌جانبه‌نگر که بر اساس اجتهاد روش‌مند و پویا برنامه زندگی انسان را متناسب با شرایط زمان و مکان در همه شرایط ترسیم می‌کند؛

۱/۵/۴- اسلام به دنبال تربیت افرادی متفکر، مؤمن، عالم، عامل، مؤدب و دارای اخلاق کریمه است؛

۱/۵/۵- اسلام جهت هدایت فرد و جامعه در ابعاد عقلانی، معنوی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، علمی و عملی، به دنبال تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر خدا است؛

۱/۵/۶- اسلام به دنبال ایجاد جامعه‌ای پویا، مجاهد، مسئول و اثرگذار در زندگی بشریت است؛

۱/۵/۷- مقصد نهایی حکومت در اسلام، زمینه‌سازی جهت رشد و شکوفایی فطرت الهی انسان به منظور دستیابی به کمال فردی و نیز گسترش عدالت و تشکیل تمدن اسلامی در راستای ظهور و تشکیل دولت عدل جهانی است؛

۱/۵/۸- اسلام معتقد است که مطالعه جهان مادی و جهان معنوی باید توأمان صورت گیرد؛ زیرا این دو جهان از یکدیگر جدا نبوده و ارتباط تنگاتنگ و قانون‌مند با یکدیگر دارند؛

۱/۵/۹- شناخت صحیح و جامع دین اسلام، مستلزم فهم مؤمنانه و روش‌مند قرآن کریم و تبیین عینی و علمی آن توسط حضرات معصومین علیهم‌السلام است؛

۱/۵/۱۰- در بینش اسلام هر انسانی مخلوق و متربی خداست و برای درک مراتبی از عبودیت الهی آفریده شده است؛

۱/۵/۱۱- انسان‌ها در عین برخورداری از مشترکات اساسی، ظرفیت‌های متفاوت دارند و هر کس به اندازه توان و وسع خویش مکلف است؛

۱/۵/۱۲- متعالی‌ترین لایه هویتی انسان، هویت توحیدی است که فراتر از مرزبندی‌های جنسیتی، قومی، نژادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد؛

۱/۵/۱۳- اسلام بر تنوع در روش‌های یاددهی - یادگیری (مشاهده آیات، تدبر و تعمق، صحبت و گفت‌وگو، تجربه، تفکر فردی و

جمعی، تهذیب نفس، داستان‌گویی، تأسی از اسوه‌های حسنه و...)  
و تکثر در محیط یادگیری (خانواده، طبیعت، مسجد، مدرسه،  
محیط اجتماعی، محیط کار و...) تأکید دارد؛

۱۴/۵/۱- تهذیب نفس و تقوا موجب افزایش ظرفیت روحی و یادگیری  
انسان و دستیابی به توانمندی‌های معنوی می‌شود؛

۱۵/۵/۱- خانواده، یکی از مهم‌ترین ارکان در تربیت فرزندان است و بر  
تعامل عاطفی والدین با فرزندان تأکید شده است؛

۱۶/۵/۱- والدین مسئولیت تربیت فرزندان را بر عهده داشته و باید ضمن  
انتخاب محیط تربیتی مناسب برای فرزند خویش، بر فرایند تربیت  
نیز نظارت فعال نمایند؛

۱۷/۵/۱- مربی جایگاه محوری در تحقق اهداف تربیتی دارد و به مثابه  
الگوی هدایت‌کننده‌ی متربی، ادامه‌دهنده‌ی راه انبیا و تسهیل‌کننده  
تحقق اهداف آن‌ها قلمداد می‌شود؛

۱۸/۵/۱- انسان به صورت مستمر و دائمی در معرض آزمون الهی بوده و  
در مواجهه با سختی‌ها و دشواری‌ها تربیت می‌شود.

۱/۶ - مبانی روان‌شناختی

مبانی روان‌شناختی برنامه‌ی درسی ملی عمدتاً برگرفته از گزارش  
تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است و  
به طرح مهم‌ترین گزاره‌های کاربردی روان‌شناسی در  
برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد؛

۱/۶/۱ - شخصیت آدمی نظام به هم پیوسته و یکپارچه‌ای متشکل  
از خرده نظام‌های شناختی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و  
تجارب عملکردی انسان است. این خرده نظام‌ها در تعامل با  
یکدیگر بوده و موجبات رشد شخصیت آدمی را فراهم  
می‌کند. رفتار آدمی محصول تعامل این خرده نظام‌هاست؛

۲/۶/۱ - خرده نظام شناختی مجموعه‌ای از فرایندهای هوشی و  
عقلانی است که محصول نهایی آن به شکل تصورات و  
تصدیقات در ذهن انسان تجلی می‌یابد؛

۳/۶/۱ - فرایندهای شناختی، از عملکرد ساده حواس پنج‌گانه  
ظاهری آغاز شده و به دریافت و استنتاج پیچیده انتزاعی و  
عقلانی می‌رسد؛

۱/۶/۴ - خرده نظام عاطفی متشکل از نظام‌های واسطه‌ای مثل غرائز، صفات، خلق و خو و فرایندهای واکنشی - اکتسابی است و در شکل احساساتی چون محبت، شوق، عصبانیت، نفرت، پرخاشگری، افسردگی و ... خود را نشان می‌دهد؛

۱/۶/۵ - رشد اخلاقی حاصل تعامل عوامل متعددی نظیر تفکر و تعقل، ایمان، علم و عمل، به ویژه تلاش‌های خودسازی درونی است؛

۱/۶/۶ - رشد تفکر در متریان مبتنی بر نظامی از منطق درونی است که از طریق سازماندهی و سازگاری تربی با تجارب جدید رشد می‌یابد؛

۱/۶/۷ - رشد ایمانی حاصل تفکر و معرفت، وابستگی عاطفی و باورهای قلبی و اراده و تصمیم‌گیری است؛

۱/۶/۸ - رفتار عبارت است از مطلق حرکت انسان که عمل، بخشی از آن است؛

۱/۶/۹ - عمل، رفتار آگاهانه و ارادی مبتنی بر مبانی و علل و عواملی مانند: علل زیستی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است؛

۱/۶/۱۰ - تربی از زمان تولد تا لحظه مرگ در حال تغییر و دگرگونی است و در طول زندگی خود، از مراحل مختلف تغییرات جسمی، شناختی، عقلانی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و عملکردی عبور می‌کند. برنامه درسی باید ضمن لحاظ کردن این تغییرات، فرایند رشد تربی را در ابعاد مختلف تسهیل بخشد؛

۱/۶/۱۱ - علایق و نیازهای متریان و محدوده اهداف تعلیم و تربیت در دوره‌های مختلف تحصیلی متفاوت است؛

۱/۶/۱۲ - متریان در جریان رشد، نیازمند راهنمایی و مشاوره‌اند؛

۱/۶/۱۳ - متریان اگر چه از نظر فطری با یکدیگر تشابه دارند و دارای نیازهای اساسی مشترکی‌اند، اما تحت تأثیر جنسیت، وراثت، محیط و عوامل ماوراءالطبیعه از یکدیگر متفاوت می‌شوند؛

۱/۶/۱۴ - متریان برای یادگیری هر موضوعی نیازمند رسیدن به سن رسش خاصی‌اند؛

۱/۶/۱۵ - انگیزش‌های درونی و بیرونی به موقع، موجب تقویت زمینه رشد متریان خواهد شد؛

۱/۶/۱۶ - رشد، محصول تربیت است؛

۱/۶/۱۷ - تربیت، فرایندی تحولی است که در اثر تفکر، تعقل، شهود، ایمان، علم، عمل، تجربه و تقویت ملکات نفسانی به دست می‌آید؛

۱/۶/۱۸ - یادگیری، زمینه‌ساز تربیت انسان است و دارای مراتب، سطوح و ابعاد گوناگون است؛

۱/۶/۱۹ - رشد آدمی تابع سنن و قوانین جهان شمول می‌باشد که در خلقت انسان قرار داده شده است؛

۱/۶/۲۰ - رشد آدمی نه صرفاً تابعی از محیط است و نه صرفاً امری زیستی و تابع الگویی جهان شمول؛

۱/۶/۲۱ - انسان اساساً طبیعتی فعال دارد، بدین لحاظ متربی در جریان تربیت، نیازمند مدیریتی فعال است.

۱/۷ - مبانی جامعه شناختی

مبانی جامعه شناختی برنامه درسی ملی عمده‌تاً برگرفته از مبانی جامعه شناختی مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است. این بخش

به طرح گزاره‌هایی در ارتباط با کاربرد یافته‌های جامعه‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد؛

۱/۷/۱ - جامعه «مرکب حقیقی» است (نه اعتباری) و دارای روح جمعی متأثر از اندیشه‌ها، انگیزه‌ها، عاطفه‌ها، رفتارها و خواسته‌های افراد است؛

۱/۷/۲ - انسان محکوم و تابع تغییرات اجتماعی نیست؛ بلکه در موقعیت خویش و در بحران‌های اجتماعی، از امکان و توان لازم جهت هدایت و دخل و تصرف در مؤلفه‌های تحولات اجتماعی برخوردار است؛

۱/۷/۳ - هم‌سویی و هماهنگی جامعه با نظام قانون‌مند هستی و سنت‌های الهی، موجب رشد و تعالی جامعه شده و دوام و تعالی آن را تضمین می‌کند؛

۱/۷/۴ - برنامه درسی به دنبال ایجاد رابطه تعاملی با جامعه و استعلای فردی و اجتماعی است؛

۱/۷/۵ - تربیت افرادی جامعه‌پذیر و اصلاح‌هنجارهای نامطلوب در جامعه از جمله اهداف برنامه‌های درسی است؛

۱/۷/۶- برنامه درسی ملی باید به ایجاد تعادل و توازن در جامعه و آگاه کردن متریان در ایفای نقش مسئولانه در جامعه کمک نماید؛

۱/۷/۷- جامعه ایران علاوه بر این که فرهنگ مشترکی دارد، از خرده فرهنگ‌های مختلفی نیز تشکیل شده است، برنامه درسی در برخورد با فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌ها باید نقش فعال، وحدت‌گرا و تعالی بخشی ایفا کند؛

۱/۷/۸- نهاد تعلیم و تربیت، مهم‌ترین بخش فرهنگ است و با سایر نهادها در ارتباط متقابل می‌باشد و وظیفه دارد ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی رسالت تربیتی خود را به درستی ایفا کند؛

۱/۷/۹- پیشگیری از بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و گسترش عدالت در جامعه از رسالت‌های اساسی برنامه‌های درسی و تربیتی است؛

۱/۷/۱۰- برنامه‌ها درسی و تربیتی وظیفه دارند ضمن ایجاد تعامل منطقی با جامعه و اثرگذاری مثبت در لایه‌های مختلف آن،

مسئولیت پذیری را در متریان نهادینه کرده و از آن‌ها در مقابله با هرگونه هجوم هویتی و فرهنگی پاسداری کنند؛

۱/۷/۱۱- اصلاح و ارتقاء فرهنگ جامعه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های برنامه درسی است؛

۱/۷/۱۲- نهاد خانواده شریک اصلی مدرسه در طراحی و اجرای برنامه درسی است؛ خانواده مسئولیت پذیری خود را در تربیت فرزند باید پذیرا باشد و نقش خود را در این خصوص به خوبی ایفا نماید؛

۱/۷/۱۳- مدرسه زمینه‌ساز کسب نخستین تجربه اجتماعی از طریق فراهم کردن شرایط برای ارتباط مناسب متریان با یکدیگر است؛

۱/۷/۱۴- زمینه‌سازی برای کسب شایستگی‌ها توسط آحاد جامعه، عامل رشد اجتماعی است؛

۱/۷/۱۵- هم‌سویی جامعه با برنامه درسی ملی موجبات توسعه و تعالی جامعه را فراهم می‌کند؛

۱۶/۱۷- برنامه‌های درسی و تربیتی باید در رابطه‌ای تعاملی و دوسویه، ضمن پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای نهادهای اجتماعی، از ظرفیت و امکانات این نهادها در جهت نیل به اهداف تربیتی استفاده کنند.

۱/۸- رویکرد برنامه درسی ملی  
۱/۸/۱- رویکرد برنامه درسی ملی، «روح حاکم» بر همه عناصر برنامه و «جهت‌گیری کلی» آن برنامه را نشان می‌دهد؛

۱/۸/۲- رویکرد برنامه درسی ملی عبارت است از: «فطرت‌گرایی توحیدی»\*

۱/۸/۳- حاکمیت این رویکرد در برنامه درسی ملی به معنای زمینه‌سازی لازم و مناسب جهت شکوفایی فطرت الهی انسان به منظور دستیابی به مراتبی از نفس مطمئنه از طریق درک و

استفاده مطلوب از موقعیت\* در راستای تحقق حیات طیبه است؛

۱/۸/۴- رویکرد برنامه درسی ملی برگرفته از مبانی و دارای ویژگی‌های زیر است:

۱/۸/۴/۱- نگاه جامع و کاملی به انسان می‌نماید و رشد ابعاد جسمانی و روحانی او را مد نظر دارد؛

۱/۸/۴/۲- زمینه‌ساز شکوفایی فطرت الهی انسان است؛

۱/۸/۴/۳- زمینه رضایت‌پروردگار را از انسان و رضایت انسان را نسبت به اراده تشریحی و تکوینی الهی فراهم می‌نماید؛

۱/۸/۴/۴- محتوای برنامه سعی دارد با نگاهی جامع به انسان در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت در جهت

\* منظور از بیان رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی: تقویت، توسعه و شکوفایی گرایش‌های الهی در انسان نظیر خداپرستی، حقیقت‌جویی، گرایش به خیر و فضیلت‌خواهی، زیبایی‌گرایی، ابداع، خلاقیت و ... در انسان است که در نتیجه تربیت و کوشش فردی (ایمان، علم، عمل صالح و تقوا) به فعلیت می‌رسد. (فلسفه تربیت، صفحات ۲۵ و ۲۶)

\* منظور از موقعیت، وضعیت و نسبت مشخص و پویای فرد به عنوان عنصری آگاه، آزاد و فعال با گستره جهان هستی (جامعه، طبیعت و ماوراء طبیعت) و خداوند متعال به عنوان مبداء و منتهای هستی است که موجب تغییر مداوم مرتبه وجودی آدمی و تحول وجه جمعی هویت می‌گردد. (فلسفه تربیت، صفحه ۳۲)

درک مراتبی از عبودیت الهی، دستیابی به حیات طیبه و زمینه رشد همه‌جانبه تربیتی را فراهم نماید؛

۱/۸/۴/۵ - مرتبی را امانت الهی می‌داند؛

۱/۸/۴/۶ - خداوند متعال را مربی اصلی می‌داند و معلم و وظیفه دارد در راستای خواست مربی عالم هستی، مرتبیان را هدایت نماید؛

۱/۸/۴/۷ - کل نظام هستی را محیط یادگیری می‌داند؛

۱/۸/۴/۸ - به بهره‌گیری از روش‌های متنوع مانند: تعقل، تجربه، بحث

و گفت‌وگو، عبرت‌آموزی، جدال احسن، تهذیب نفس و غیره تأکید دارد. در این رابطه شایسته است که روش‌ها بر مبنای عقل، وحی، کارآمدی در عمل، موقعیت، شرایط مخاطب، ارزش‌ها، اصول و اهداف تربیت اسلامی انتخاب شود؛

۱/۸/۴/۹ - بر ارزیابی بیرونی و خودارزیابی تأکید دارد و ارزیابی بیرونی را زمینه‌ساز خودارزیابی می‌داند؛

۱/۹ - اصول حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی

اصول در برنامه درسی ملی، گزاره‌هایی تجویزی مشتمل بر قواعد کلی و مشترک به مثابه ملاک و معیارهای اساسی و هنجاری ناظر به هدایت و سیاست‌گذاری و مدیریت برنامه درسی ملی و برنامه‌های درسی و

تربیتی است که به منظور تحقق اهداف از مبانی نظری و اسناد فرادستی استنباط می‌شود.

#### ۱/۹/۱ - اصل دین محوری

مبانی و ارزش‌های اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله باید بر تمامی اصول، رویکردها، اهداف، محتوای برنامه‌ها و روش‌های درسی و تربیتی حاکم باشد و این اصل بر سایر اصول نیز حاکم است.

#### ۱/۹/۲ - اصل تقویت هویت ملی

برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه ارتقاء هویت ملی را از طریق توجه و تقویت باورها و ارزش‌های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و استقلال ملی و انسجام اسلامی فراهم نماید و تلاش کند که هویت مرتبیان را به سطح هویت الهی ارتقاء دهد.

#### ۱/۹/۳ - اصل اعتبار نقش محوری معلم و مربی

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش محوری معلم و مربی در رهبری تربیتی برای مقدم کردن تزکیه بر تعلیم،

غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال‌سازی متربی در فرایند یادگیری، ترغیب متربیان نسبت به یادگیری به صورت مستمر توجه نماید و زمینه‌های لازم برای ارتقاء صلاحیت‌های اخلاقی، علمی و حرفه‌ای معلمان و مربیان را فراهم سازد.

#### ۱/۹/۴ - اصل جامعیت

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نیازهای کنونی و آینده متربی و جامعه در سطوح محلی، ملی و جهانی و در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، فناوری و... در راستای سند چشم‌انداز و سیاست‌های مصوب با استفاده از تجارب ملی و جهانی به گونه‌ای جامع و متعادل توجه کند.

#### ۱/۹/۵ - اصل توجه به تفاوت‌ها

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به تفاوت‌های محیطی، جنسیتی و فردی متربیان توجه کرده و در این خصوص از انعطاف لازم برخوردار باشد.

#### ۱/۹/۶ - اصل توازن و تعادل

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط، در بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای مختلف و متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها پای‌بند باشد.

#### ۱/۹/۷ - اصل خود یادگیری مادام‌العمر

برنامه‌های درسی و تربیتی باید توان، انگیزش و زمینه‌های لازم و مناسب را جهت خودیادگیری و خودسازی مادام‌العمر برای متربیان و نیز برای معلمان و مربیان فراهم کند.

#### ۱/۹/۸ - اصل مشارکت و تعامل

فرایند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت مؤثر خانواده‌ها، معلمان، مربیان، متربیان، مدارس و سایر نهادهای فرهنگی، علمی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به ویژه دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و رسانه‌ها را در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها فراهم نماید.

